

تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین کیفیت حسابرسی با سطح وجه نقد نگهداری شده

دکتر یداله نوری فرد^{۱*}، حسن چناری بوکت^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۹

چکیده

هدف از این پژوهش، مطالعه درباره تأثیر تخصص حسابرس در صنعت، بر رابطه بین کیفیت حسابرسی با سطح وجه نقد نگهداری شده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش از صورت‌های مالی ۸۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ گردآوری شده است. در این پژوهش، متغیر مستقل، کیفیت حسابرسی و متغیر وابسته، سطح نگهداشت وجه نقد است. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، بیانگر این است که تخصص حسابرس در صنعت، بر رابطه بین کیفیت حسابرسی با سطح وجه نقد نگهداری شده بی تأثیر است. به عبارت دیگر، میزان وجه نقد نگهداری شده، به عواملی غیر از کیفیت حسابرسی و تأثیر متقابل تخصص حسابرسی در صنعت مربوط است.

کلیدواژه‌ها: تخصص حسابرس، کیفیت حسابرسی، سطح نگهداشت وجه نقد.

مقدمه

با کمترین محدودیت، دسترسی ویژه‌ای به وجه نقد دارند. آنها از این منابع با احتیاط ویژه‌ای استفاده می‌کنند (دیتمار^۳ و مارت اسمیت^۴، ۲۰۰۷؛ باتس و همکاران، ۲۰۰۹). اصول و استانداردهای نظریه نمایندگی بیانگر این است که مازاد وجه نقد، ممکن است به تشدید تضاد و تعارض‌های نمایندگی، از طریق مدیران خودشیفته با منابع مالی در اختیار برای ایجاد محیط کاری شیک و هزینه‌بر، شرکت در کارهای خیرخواهانه و پرداخت مساعده و یارانه غیرمعارف و حفظ پروژه‌های سودآور منجر شود.

هارفورد^۵ و همکاران (۲۰۰۸) دریافته‌اند که شرکت‌های با مدیران ثابت، به مشارکت و صرف هزینه در پروژه‌های

دارایی‌های نقدی، از طریق کاهش مشکلات سرمایه‌گذاری، با تأمین منابع مالی برون‌سازمانی، موجب کمک به واحد انتفاعی می‌شود (اولر^۳ و همکاران، ۱۹۹۹). نگهداشت وجه نقد مرتبط با کل دارایی‌ها، به میزان ۰/۴۶ در هر سال، از ۱۰/۵ درصد در سال ۱۹۸۰، به ۲۳/۲ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. شواهد نشان می‌دهد که مدیریت وجه نقد، عامل تعیین‌کننده‌ای در تأثیر نگهداشت وجه نقد بر ارزش شرکت است (باتس^۴ و همکاران، ۲۰۰۹).

در حالی که بیشتر واحدهای انتفاعی، مقادیر قابل توجهی، نگهداشت وجه نقد خود را افزایش می‌دهند، مدیران شرکت‌ها،

dr.y.fard@gmail.com
ha_chenari@yahoo.com
3. Bates, T.
4. Dittmar, A.

پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۱. استادیار گروه آموزشی حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. Mahrt-Smith, J.
۴. Harford, J.

می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین عامل در نگهداشت وجوه نقد ذکر کرد که به تحصیل یا کسب وجوه نقد هزینه‌بر می‌انجامد. در این حالت، ممکن است، شرکت برای کاهش هزینه‌های تأمین منابع مالی برون‌سازمانی، دارایی‌های جاری خود را افزایش دهد. به‌علاوه، افزایش توانایی شرکت برای بهره‌مندی از فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری ارزشمند و اجتناب از تأمین منابع مالی خارجی هزینه‌بر یا گران‌قیمت را می‌توان از مزایای نگهداشت وجوه نقد در بازارهای سرمایه‌ناکارآمد دانست. باوجود مزایایی که نگهداشت وجوه نقد برای شرکت به ارمغان می‌آورد، هزینه‌هایی را نیز در پی دارد؛ ازجمله، مدیران و سهام‌داران کنترل، ممکن است برای دستیابی به اهداف شخصی خود، با انگیزه‌های فرصت‌طلبانه اقدام به نگهداری وجوه نقد کنند که در حالت کلی، این اهداف، موازی و سازگار با اهداف شرکت نیست (جنی^۶ و همکاران، ۲۰۰۹؛ کیم^۷ و همکاران، ۲۰۱۵).

بنابراین، می‌توان اذعان داشت که نگهداری وجوه نقد مازاد، بیانگر عدم تخصیص کارآی منابع است و هزینه‌هایی را بر شرکت تحمیل می‌کند (اوزکان^۸ و اوزکان^۹، ۲۰۰۴؛ مشکی میاوقی و الهی رودپشتی، ۱۳۹۳). یافته‌های حاصل از پژوهش باتاچاریا و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۳)، فرانسیس^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۵) و اوزکان و اوزکان (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، انگیزه نگهداری دارایی‌های نقدی بالایی را برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، وجود عدم تقارن اطلاعاتی، به افزایش هزینه سرمایه شرکت منجر می‌شود و تأمین وجوه از بازارهای مالی به نفع شرکت نخواهد بود؛ بنابراین، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند دارایی‌های نقدی زیادی نگهداری کنند، تا در مواقع لازم، وجوه مورد نیاز خود را از منابع داخلی تأمین کنند.

کیم و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی، درباره ارتباط کیفیت حسابرسی و میزان وجوه نقد نگهداری‌شده مطالعه کردند. یافته‌های حاصل از پژوهش، بیانگر این است که بین کیفیت

کم‌مخاطره تمایل دارند. براساس نظریه نمایندگی، مطالعات اخیر نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاران با مشاهده اینکه مدیران تمایل به سوءاستفاده از وجوه نقد و منابع مالی در راستای منافع شخصی خویش دارند، اقدام به کاهش میزان وجوه نقد نگهداری‌شده می‌کنند. برای مثال، دیتمار و مارت-اسمیت (۲۰۰۷) دریافتند که ارزش بازار یک دلار اضافی در نگهداشت وجوه نقد کمتر از یک دلار در شرکت‌های با ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر است. به‌طور مشابه، ماسولیس^۱ و همکاران (۲۰۰۹) نشان داده‌اند که ارزش نگهداشت وجوه نقد برای شرکت‌های با مالکیت دوگانه (سطح دو)، به دلیل افزایش تضاد و تعارض نمایندگی بین کنترل سهام‌داران و نظارت سهام‌داران، پایین است. همچنین، آلیمو^۲ (۲۰۱۴) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده است که رقابت در بازار محصول، ارزش نگهداشت وجوه نقد را از طریق اعمال و اجبار نظم در مدیران برای کاهش ناکارایی، افزایش می‌دهد.

از نشانه‌های ابهام در بازار، می‌توان به بودن وجوه نقد مازاد در شرکت اشاره کرد؛ زیرا دارای پیامدهای مثبت و منفی است. از پیامدهای مثبت، می‌توان اذعان داشت که شرکت‌ها با داشتن وجوه نقد مازاد، دارای مخاطره کمتری هستند؛ چراکه در مقابله با مونتج و مشکلات مالی احتمالی در آینده انعطاف‌پذیری بیشتری دارند. از پیامدهای منفی نیز می‌توان به اثرگذاری منفی بر عملکرد شرکت‌ها در نتیجه بروز تضاد و تعارض‌های نمایندگی اشاره کرد (جنسن^۳، ۱۹۸۶).

یافته‌های حاصل از پژوهش میکلسون^۴ و پارچ^۵ (۲۰۰۳)، نشان‌دهنده این است که بین سطح نگهداشت وجوه نقد و عملکرد در شرکت‌های مورد مطالعه، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. اعتقاد آنها بر این است که با افزایش سطح نگهداشت وجوه نقد، عملکرد شرکت نیز بهتر می‌شود و سطح بهینه وجوه نقد برای شرکت‌ها وجود ندارد.

عدم تقارن اطلاعاتی و به‌تبع آن، مشکلات ناشی از آن را

1. Masulis, R.

2. Alimov, A.

3. Jensen, M. C.

4. Mikkelsen, W.

5. Partch, M.

6. Guney, Y.

7. Kim, J-B.

8. Ozkan, A.

9. Ozkan, N.

10. Bhattacharya et al.

11. Francis, J.

شده است. به علاوه، شایان ذکر است که اغلب، کیفیت حسابرسی در ارتباط با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی مربوط تعریف می‌شود. صاحب‌نظران حسابداری، جنبه‌های متنوعی برای کیفیت حسابرسی بیان کرده‌اند که به تعاریف متفاوتی از نظر ظاهری منتج شده است. عام‌ترین تعاریف از کیفیت حسابرسی، شامل عناصر زیر است (مرادزاده‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱):

الف- احتمال وجود اشتباهات عمده در صورت‌های مالی که حسابرس نتواند آنها را کشف و گزارش کند.
ب- احتمال اینکه حسابرس برای صورت‌های مالی حاوی اشتباهات مهم، گزارش مشروط صادر نکند.
پ- دقت اطلاعاتی که حسابرس درباره آن گزارش صادر کرده است.

ت- مقیاسی برای توان حسابرسی در کاهش اشتباهات و تحریف‌های جانبدارانه و بهبود کیفیت داده‌های حسابداری پژوهش‌های حسابداری نشان داده‌اند که ساختار مؤسسه حسابرسی نیز بر کیفیت حسابرسی مؤثر است. براساس این پژوهش‌ها، کیفیت حسابرسی در مؤسسه‌هایی که ساختار قوی‌تری در استفاده از روش‌های حسابرسی دارند، با سایر مؤسسه‌ها تفاوت دارد. ادغام مؤسسه‌های حسابرسی و یکسان شدن روش‌های مورد استفاده در مؤسسه‌های مختلف، این فرضیه‌ها را کم‌اهمیت ساخته است. سایر پژوهش‌گران نیز این نظریه را مطرح کرده‌اند که به‌طور کلی، ارتباط مستقیمی بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد و اگر مؤسسه‌های بزرگ‌تر، حق‌الزحمه‌های بیشتری به صاحب‌کار تحمیل می‌کنند، به این معنا است که کیفیت خدمات حسابرسی آنها مطلوب‌تر است. پژوهش‌ها، این فرضیه را نیز مطرح کرده‌اند که مؤسسه‌های بزرگ‌تر، به‌دلیل تجربه بیشتر و ساختار مناسب‌تر، می‌توانند بخشی از صرفه اقتصادی خود را به مشتری منتقل کنند و حق‌الزحمه کمتری از صاحب‌کار دریافت کنند (میر^۴ و ریگز^۵، ۲۰۰۷).

حسابرسی با میزان وجوه نقد نگهداری شده ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. به این صورت که افزایش کیفیت حسابرسی، به افزایش نگهداشت وجه نقد منجر می‌شود.

فرینو^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی، درباره ارتباط کیفیت حسابرسی (حق‌الزحمه حسابرسی) و نقدشوندگی سهام در یک نمونه از ۱۰۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار ایتالیا، در طی بازه زمانی ۲۰۰۸-۲۰۱۱ بررسی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که ارتباط مستقیمی بین کیفیت حسابرسی (حق‌الزحمه حسابرسی) و نقدشوندگی سهام وجود دارد.

النجار^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی و مطالعه تأثیر ساختار سرمایه و سیاست تقسیم سود بر سطح نگهداشت وجه نقد در طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۸ پرداخت. وی نمونه‌ای، شامل ۱۹۹۲ شرکت را در کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین انتخاب کرد. یافته‌های حاصل از پژوهش وی نشان داد که ساختار سرمایه و سیاست تقسیم سود، از جمله عوامل اثرگذار بر سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها هستند. وی در پژوهش خود، به این نتیجه نیز دست یافت که بین اهرم مالی، نسبت پرداخت سود سهام و دارایی‌های نقدی، با سطح نگهداشت وجه نقد، ارتباط منفی، اما بین اندازه و بازده سرمایه با سطح نگهداشت وجه نقد، رابطه مثبتی وجود دارد.

وانگ^۳ و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی، به بررسی تأثیر تورم و چرخه عملیاتی بر سطح نگهداشت وجه نقد پرداختند. آنان یک نمونه از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار چین را طی سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۹۸ مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد، زمانی که تورم افزایش می‌یابد، تا سطح معینی سطح نگهداشت وجه نقد کاهش پیدا می‌کند؛ اما پس از آن، این رابطه مثبت می‌شود. آنها این رابطه را بین چرخه عملیاتی و سطح نگهداشت وجه نقد نیز یافتند.

کیفیت حسابرسی

در متون حسابداری تعاریفی از کیفیت حسابرسی مطرح

1. Frino, Alex
2. Al-Najjar, B.
3. Wang, Y.

4. Meyer, M. J.
5. Rigs, J. T.

تخصص حسابرس در صنعت

در پژوهشی که تنها به منظور درک این مفهوم انجام شده، تخصص حسابرس در صنعت بدین گونه تعریف شده است:

الف- دانش خاص یک صنعت که از طریق یک مؤسسه حسابرسی، در راستای کمک به فهم بهتر از آنچه صاحب کاران در آن صنعت انجام می دهند و مخاطره های حسابرسی که آنها با آن مواجه اند، به کار گرفته می شود.

ب- مهارت های خاص حسابرسی که یک مؤسسه حسابرسی برای کمک به صاحب کاران خود، از طریق فراهم کردن راهکارهایی (حسابداری و انواع دیگر)، برای مقابله با مسائل صنعت مورد نظر و نیز مخاطره های حسابرسی (مثل قوانین، انواع مالیات و غیره)، ایجاد می کند.

پ- مهارت های خاص غیرحسابرسی که از طریق مشارکت مؤسسه حسابرسی به کار گرفته و تحصیل می شود و می تواند ارزش افزوده ای را برای کسب و کار صاحب کاران خود داشته باشد (کند، ۲۰۰۸).

موارد فوق را می توان به طور خلاصه به این شرح بیان کرد: تخصص حسابرس در صنعت، شامل خلق ایده های سازنده برای کمک (ارزش آفرینی) به صاحب کاران، همچنین فراهم کردن رویکردها یا راهکارهای نوین برای برخی از مسائلی است که صاحب کاران در صنایع مربوط به خود، با آن مواجه می شوند. از آنجا که حالات مختلف تخصص حسابرس در صنعت، به طور مستقیم مشاهده پذیر نیست، پژوهش های پیشین، شاخص های مختلفی را برای تخصص حسابرس در صنعت به کار گرفته اند. رویکردهای سهم بازار و سهم پرتفوی، اغلب به عنوان شاخص هایی برای تخصص حسابرس در صنعت به کار گرفته می شوند.

رویکرد سهم بازار

رویکرد سهم بازار، یک حسابرس متخصص صنعت را به عنوان یک مؤسسه حسابرسی که خود را از سایر رقبا، از نظر سهم بازار در یک صنعت خاص متمایز کرده است،

معرفی می کند. این رویکرد، فرض می کند که با مشاهده سهم نسبی بازار مؤسسه های حسابرسی که به یک صنعت خاص، ارائه خدمت می کنند، می توان به میزان دانش تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی پی برد. برای مثال، براساس این رویکرد، سازمان حسابرسی در صنعت خودرو در ایران متخصص است. مؤسسه ای که سهم بزرگ تری از بازار را در اختیار دارد، دارای دانش تخصصی بالاتری درباره آن صنعت خاص است. به علاوه، سهم معنادار بازار در یک صنعت بیانگر سرمایه گذاری معنادار است که در مؤسسه های حسابرسی در توسعه فن آوری های حسابرسی خاص صنعت انجام گرفته است، به طوری که انتظار می رود، مزایای ناشی از بهبود کیفیت حسابرسی و صرفه اقتصادی (صرفه جویی های ناشی از مقیاس تولید انبوه)، افزایش یابد.

رویکرد سهم پرتفوی

رویکرد سهم پرتفوی، توزیع نسبی خدمات حسابرسی را در صنایع مختلف برای هر مؤسسه حسابرسی مد نظر قرار می دهد. به بیانی ساده، هر مؤسسه حسابرسی دارای صاحب کارانی است که پرتفوی آن مؤسسه را شکل می دهند. صنعتی که صاحب کاران بیشتری (از لحاظ فروش، مجموع دارایی ها و ...) را در پرتفوی مربوط تشکیل می دهد، بیانگر صنعتی است که مؤسسه حسابرسی در آن، دارای تخصص است. این رویکرد، بیشتر به راهبردهای مؤسسه حسابرسی مربوط است.

صنایع صاحب کار مؤسسه حسابرسی، با بیشترین سهم پرتفوی، بیانگر صنایعی هستند که مؤسسه های حسابرسی، دانش پایه ای معناداری را در ارتباط با آن صنایع ایجاد کرده اند و سهم بزرگ پرتفوی بیانگر این است که سرمایه گذاری معناداری از طریق مؤسسه های حسابرسی در توسعه فن آوری های حسابرسی مربوط به آن صنعت انجام گرفته است. با به کارگیری این رویکرد، احتمالاً مؤسسه ها، بیشترین منابع را برای توسعه دانش خاص صنعت اختصاص داده اند،

در نظر گرفته می‌شود که بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده خدمات در صنعت باشد و تفاوت بین اولین و دومین مؤسسه (از لحاظ ارائه خدمات) در صنعت، حداقل ۱۰ درصد مؤسسه سوم باشد. برای تخصص صنعت، از سهم مستمر بازار، بر مبنای میزان فروش صاحب‌کاران استفاده می‌شود.

معیار سوم از تعداد صاحب‌کاران به‌عنوان مبنای بهره می‌گیرد. استفاده از چنین مبنایی از یکسنگری حاصل از صاحب‌کاران بزرگ که با به‌کارگیری فروش به‌عنوان مبنای پدید می‌آید، اجتناب می‌کند. بنابراین، در موقعیت‌هایی که یک حسابرس دارای تعدادی صاحب‌کار کوچک در یک صنعت است، از این معیار استفاده می‌شود.

معیار چهارم، آن مؤسسه حسابرسی را که دارای بیشترین تعداد صاحب‌کار در یک صنعت خاص باشد، متخصص صنعت می‌داند.

معیار پنجم، از سهم بازار استفاده می‌کند که مبتنی بر تعداد صاحب‌کاران است، نه حجم فروش صاحب‌کاران. یکی از موضوعات کشف‌نشده متون پژوهشی پیرامون تخصص حسابرس در صنعت، این است که آیا روابط غیرخطی بین تخصص حسابرس در صنعت و پیامد مورد نظر وجود دارد یا خیر؟

اگرچه معمولاً دانش در یک صنعت از طریق تکرار کسب می‌شود، ممکن است قبل از دستیابی به سطوح دانش صنعت، منافع ناشی از آن حاصل شود. کم‌شدن بازده ناشی از انباشت تخصص صنعت، ممکن است در برخی از سطوح بالای تخصص بروز کند. با این حال، هرچه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقبا، بالاتر خواهد بود. همچنین، داشتن سهم بزرگی از بازار (سهم غالب بازار)، اشاره به این دارد که حسابرس، به‌طور موفقیت‌آمیزی، خود را از سایر رقبا از لحاظ کیفیت حسابرسی متمایز می‌کند.

فرضیه پژوهش

بین کیفیت حسابرسی و سطح وجه نقد نگهداری شده با

حتی اگر آنها سهم عمده بازار را در آن صنعت در اختیار نداشته باشند.

رویکرد سهم پرتفوی، برخلاف رویکرد سهم بازار، مزیت نسبی بر سایر حسابرسان را در تعیین تخصص حسابرس در صنعت دخالت نمی‌دهد. به‌طور خلاصه، رویکردهای فوق در قالب معیارهای زیر نمایان می‌شوند؛ اما باید توجه داشت که این معیارها، اغلب، انواع مختلفی از رویکرد سهم بازار هستند، بر اساس این فرض که تخصص صنعت از طریق شهرت در محیط‌های مشابه حاصل می‌شود و حجم وسیع (تعداد زیاد) مؤسسه‌های تجاری در یک صنعت، بیانگر تخصص صنعت است. با این حال، سهم بازار به‌عنوان معیاری از تخصص دارای چندین محدودیت است. برای مثال، مشخص نیست که فواید متخصص شدن حسابرس در یک صنعت، از حسابرسی تعداد زیادی از صاحب‌کاران به‌دست می‌آید، یا از تعداد کمی از صاحب‌کاران بزرگ. برای خاطر نشان ساختن این کمبودها، از چند شاخص موجود در متون مربوط با این موضوع بهره گرفته می‌شود. این معیارها، شامل سهم مستمر بازار و متغیرهای مجازی است که نشان‌دهنده سهم عمده‌ای در بازار/ تسلط صنعت است (بال‌سام و همکاران، ۲۰۰۳).

بر اساس معیار اول، متخصص صنعت این‌گونه تعریف می‌شود: بزرگ‌ترین مؤسسه در هر صنعت، همچنین دومین و سومین مؤسسه بزرگ در صنایعی که تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین دومین و سومین یا سومین و بقیه مؤسسه‌ها وجود دارد. شایان توجه است که بر اساس این معیار، میزان فروش صاحب‌کاران مؤسسه‌های حسابرسی، ملاک اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. برای مثال، اگر شرکت ایران خودرو را بزرگ‌ترین فروشنده صنعت خودروی کشور تصور کنیم، آنگاه مؤسسه رسیدگی‌کننده آن (در سال‌های اخیر، سازمان حسابرسی)، به‌عنوان بزرگ‌ترین مؤسسه در صنعت خودرو شمرده می‌شود.

معیار دوم، تخصص حسابرس در صنعت را از لحاظ تسلط صنعت تعریف می‌کند. این تعریف، محدودکننده‌تر از معیار اول است. هنگامی حسابرس به‌عنوان متخصص صنعت

تأکید بر تخصص حسابرس، ارتباط معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر ماهیت و محتوا، از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی است. این پژوهش در چارچوب استدلال‌های قیاسی-استقرایی انجام می‌شود؛ به این معنا که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه کتابخانه‌ای، مجلات و سایر سایت‌های معتبر در قالب قیاسی، و گردآوری داده‌ها، برای تأیید و رد فرضیه‌ها از راه استقرایی انجام می‌گیرد. به دلیل نوع داده‌های مورد مطالعه، مقایسه هم‌زمان داده‌های مقطعی و طولی، از روش الگوهای داده‌های ترکیبی (پانل دیتا)، برای برآورد ضرایب و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. ابتدا برای تعیین روش به‌کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آنها از آزمون چاو استفاده شده است. فرضیه‌های آماری این آزمون به شرح زیر است:

$H_0 = \text{Pooled Data}$

$H_1 = \text{Panel Data}$

در این آزمون، فرض صفر مبنی بر همگن بودن داده‌ها است و در صورت تأیید، باید کلیه داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و از طریق یک رگرسیون کلاسیک، تخمین پارامترها را انجام داد؛ در غیر این صورت، باید داده‌ها را به صورت داده‌های پانلی در نظر گرفت. در صورتی که نتایج این آزمون، مبنی بر به‌کارگیری داده‌ها، به صورت داده‌های پانلی باشد، باید برای تخمین مدل پژوهش از یکی از مدل‌های اثرات ثابت، یا اثرات تصادفی استفاده شود. برای انتخاب یکی از دو مدل، باید آزمون هاسمن اجرا شود. فرض صفر آزمون هاسمن، مبنی بر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی، برای تخمین مدل‌های رگرسیونی داده‌های تابلویی است.

جامعه آماری این پژوهش دربرگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش، از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در نظر گرفته شده است. همچنین، در این پژوهش، نمونه‌ای به حجم ۸۱ شرکت، براساس معیارهای زیر از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده

در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است:

الف - باتوجه به دوره زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، شرکت، قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۴ از فهرست شرکت‌های مذکور، حذف نشده باشد؛

ب - برای افزایش توان هم‌سنجی و همسان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفندماه هر سال منتهی شود؛

پ - به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی، و ...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند؛
ت - شرکت‌هایی که اطلاعات آنها برای محاسبه متغیرهای اولیه صورت‌های مالی ناقص بوده‌اند، از نمونه حذف شده‌اند؛

ث - شرکت‌ها نباید توقف فعالیت داشته و دوره فعالیت خود را تغییر داده باشند.

متغیرها و مدل پژوهش

در این پژوهش، متغیر وابسته، سطح وجه نقد نگهداری شده (نگهداشت وجه نقد) است. برای محاسبه سطح نگهداشت وجه نقد، به پیروی از مدل اوزکان و اوزکان (۲۰۰۴)، از نسبت مجموع وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت بر کل دارایی‌های شرکت استفاده می‌کنیم.

متغیرهای مستقل و کنترلی

در این پژوهش متغیر مستقل، کیفیت حسابرسی است. برای محاسبه کیفیت موسسه حسابرسی به این شیوه عمل می‌کنیم که اگر سازمان حسابرسی، واحد مورد رسیدگی را حسابرسی کرده باشد، عدد یک، و در غیر این صورت، از عدد صفر استفاده می‌کنیم.

تخصص حسابرس در صنعت: در پژوهش حاضر، سهم بازار، شاخصی است که برای اندازه‌گیری تخصص حسابرس در صنعت استفاده می‌شود؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به

سایر حسابرسان نشان می‌دهد (عزیزخانی^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). هرچه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقبا بالاتر است. همچنین، داشتن سهم بالای بازار به این نکته اشاره دارد که حسابرس، به‌طور موفقیت‌آمیزی، خود را از سایر رقبا از لحاظ کیفیت حسابرسی متمایز می‌کند. به‌علاوه، تخصص حسابرس در صنعت، براساس پژوهش‌های سان^۲ و لیو^۳ (۲۰۱۳)، اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) و بادآور نهندی و تقی‌زاده خانقاه (۱۳۹۲) از تقسیم مجموع دارایی‌های تمام کارفرمایان یک مؤسسه حسابرسی در یک صنعت خاص بر مجموع دارایی‌های کارفرمایان آن صنعت به‌دست می‌آید. این متغیر فقط برای اندازه‌گیری تخصص حسابرس در یک صنعت مشخص به کار می‌رود و مستقل از ویژگی اندازه شرکت مورد حسابرسی است.

اندازه شرکت: از لگاریتم طبیعی مبلغ فروش کل محاسبه می‌شود.

اهرم مالی: از نسبت کل بدهی به کل دارایی حاصل می‌شود.

نرخ بازده دارایی: از نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها

به‌دست می‌آید.

نوع صنعت: در صورتی که شرکت در طبقه صنایع غذایی، ماشین‌آلات و خودرو، صنایع شیمیایی و معادن فعالیت کند از عدد یک و در غیر این صورت، از عدد صفر استفاده می‌کنیم. باتوجه به متغیرها، مدل پژوهش به‌صورت زیر است:

$$\text{Cash Holding Levelit} = \beta_0$$

$$+ \beta_1 \text{ Audit Qualityit (Big 1)} + \beta_2 \text{ Spesit}$$

$$+ \beta_3 \text{ Audit Qualityit (Big 1)} \times \text{Spesit}$$

$$+ \beta_4 \text{ Sizeit} + \beta_5 \text{ Leverageit} + \beta_6 \text{ RoAit}$$

$$+ \beta_7 \text{ Industryit} + \epsilon \text{it}$$

Cash Holding Levelit: سطح نگهداشت وجه نقد؛

Audit Qualityit (Big 1): کیفیت حسابرسی؛

Spesit: تخصص حسابرس در صنعت؛

Sizeit: اندازه شرکت؛

Leverageit: اهرم مالی؛

RoAit: نرخ بازده دارایی؛

Industryit: نوع صنعت.

توصیف داده‌های پژوهش

توصیف داده‌های پژوهش به شرح نگاره ۱ ارائه می‌شود:

نگاره ۱. توصیف داده‌های پژوهش

نام متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشی‌دگی
نگهداشت وجه نقد	۴۰۵	-۰/۷۵۸۴۸۳	-۰/۱۰۶۹۴۱۸۱	-۰/۱۱	۳/۴۰۶	۱۴/۴۰۸
اندازه شرکت	۴۰۵	۱۳/۶۶۱۶۵۴۳	۱/۴۴۶۷۵۴۶۴	۲/۰۹۳	-۰/۵۰۸	-۰/۳۲۱
اهرم مالی	۴۰۵	-۰/۷۳۶۱۱۸۰	۲/۸۶۷۸۷۱۶۹	۸/۲۲۵	۱۷/۹۱۶	۳۳/۶۰۷۹
نرخ بازده دارایی	۴۰۵	-۰/۱۶۲۵۴۸۹	-۰/۱۲۹۷۶۱۶۲	-۰/۱۷	۲/۳۰۴	۱۴/۸۶

آزمون نرمالیت

قبل از برآزش مدل، نرمال بودن متغیر وابسته نیز بررسی می‌شود. شایان ذکر است که نرمال بودن باقیمانده‌های مدل، شرط لازم برای اعتبار رگرسیونی است. ولی در صورتی که متغیر وابسته نرمال باشد، باقیمانده‌ها نیز نرمال خواهند بود. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون، به‌صورت زیر نوشته می‌شود:

H_0 : داده‌ها برای متغیر وابسته از توزیع نرمال پیروی

می‌کند.

H_1 : داده‌ها برای متغیر وابسته از توزیع نرمال پیروی

نمی‌کند.

در نگاره ۲، یافته‌های آزمون نرمالیت (کولموگروف

اسمیرنوف) به‌شرح زیر ارائه می‌شود:

نگاره ۲. آزمون نرمالیته کولموگروف اسمیرنوف

نام متغیر	نوع متغیر	آماره آزمون	سطح معنی داری
نگهداشت وجه نقد	وابسته	۰/۳۴۴	۰/۰۰۰
لگاریتم طبیعی نگهداشت وجه نقد	وابسته	۰/۰۳۵	۰/۲۰۰

باتوجه به آماره کولموگروف اسمیرنوف و سطح معنی داری محاسبه شده، فرضیه صفر آزمون (داده‌ها برای متغیر وابسته از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند)، تأیید نمی‌شود؛ بنابراین از لگاریتم طبیعی داده‌ها استفاده کردیم.

آزمون فرضیه پژوهش

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، به شرح نگاره ۳ است:

نگاره ۳. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش

نام متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	-۰/۰۴۱۹۴۱	۰/۰۵۱۵۶۹	-۰/۸۱۳۲۹۲	۰/۴۱۶۵
کیفیت حسابرسی	-۰/۰۰۱۶۴۸	۰/۰۱۵۲۱۸	-۰/۱۰۸۲۸۱	۰/۹۱۳۸
تخصص حسابرس	-۰/۰۰۸۸۳۶	۰/۰۱۶۸۳۶	-۰/۵۳۴۸۳۹	۰/۶
کیفیت حسابرسی × تخصص حسابرس	۰/۰۱۳۰۰۳	۰/۰۲۳۹۸۳	۰/۵۴۲۱۷۴	۰/۵۸۸۰
اندازه شرکت	۰/۰۰۶۴۴۴	۰/۰۰۳۶۵۹	۱/۷۶۱۱۲۴	۰/۰۷۹۰
اهرم مالی	-۰/۰۰۴۲۴۷	۰/۰۰۲۰۲۵	-۲/۰۹۷۳۷۴	۰/۰۳۶۶
نرخ بازده دارایی	۰/۱۳۷۵۶۵	۰/۰۴۴۵۷۹	۳/۰۸۵۸۵۲	۰/۰۰۲۲
معیار صنعت	۰/۰۲۰۷۴۳	۰/۰۱۰۵۸۳	۱/۹۶۰۱۰۲	۰/۰۵۰۷

ضریب تعیین: ۰/۲۸-۰/۷۲۵

ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۲۵۳۳۲۱

آماره آزمون: ۲/۳۸۱۵۲۱

سطح معنی داری: ۰/۰۲۱۴۴۶

آماره دوربین - واتسون: ۲/۱۰۴۴۶۱

آماره آزمون اف - لیمر: ۱/۳۲۴۵۰۸

سطح معنی داری: ۰/۰۴۸۰

آماره آزمون هاسمن: ۱۷/۵۴۴۷۹۰

سطح معنی داری: ۰/۰۰۹۷

۲/۵-۱/۵ است، بیانگر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقیمانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد.

باتوجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون چاو(اف - لیمر)، مقاطع مورد بررسی، ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی است، بنابراین، استفاده از روش داده‌های تابلویی برای مدل فرضیه پژوهش مناسب است. بعد از انتخاب روش داده‌های تابلویی با آزمون چاو(اف - لیمر)، از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی استفاده می‌کنیم. باتوجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون هاسمن،

سطح معنی داری برای تک تک متغیرها و نیز برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. باتوجه به ضریب تبیین تعدیل شده مدل برازش شده، می‌توان ادعا کرد که ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش از طریق متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود.

خودهمبستگی، نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین - واتسون، می‌توان برای تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین - واتسون محاسبه شده (۲/۱۰۴) که بین

تخصص حسابرِس در صنعت بر رابطه بین کیفیت حسابرِس با سطح وجه نقد نگهداری شده مورد بررسی قرار گرفت. تعداد ۸۱ شرکت، باتوجه به محدودیت‌های موجود به‌عنوان نمونه انتخاب، و بررسی شدند.

باتوجه به اینکه داده‌های مورد بررسی از نوع داده‌های تابلویی بودند، از رگرسیون اثرات ثابت استفاده شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، باتوجه به سطح معنی‌داری محاسبه‌شده، بیانگر این است که تخصص حسابرِس در صنعت، بر رابطه بین کیفیت حسابرِس با سطح وجه نقد نگهداری شده بی‌تأثیر است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، با یافته‌های حاصل از پژوهش کیم و همکاران (۲۰۱۵) مغایر است. در این پژوهش، برای کیفیت حسابرِس، از اندازه مؤسسه حسابرِس استفاده شد. در راستای پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌گران از سایر جنبه‌های کیفیت حسابرِس نیز استفاده کنند.

در پژوهش حاضر، کلیه شرکت‌های بورس باتوجه به نمونه‌های استخراج‌شده در کلیه صنایع، مطالعه و بررسی شده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، فرضیه‌های تحقیق در صنایع مختلف به تفکیک مورد آزمون قرار گیرد.

مرجع‌ها

- اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر؛ ناظمی اردکانی، مهدی. ۱۳۸۸. «بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرِس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۱، ش ۱ و ۲، ص ۱۷-۳۲. بادآور نهندی، یونس و تقی‌زاده خانقاه، وحید. ۱۳۹۲. «بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرِس و کارایی سرمایه‌گذاری»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرِس، دوره ۲۰، ش ۲، ص ۱۹-۴۲.
- مرادزاده‌فرد، مهدی؛ عدیلی، مجتبی؛ ابراهیمیان، سیدجواد. ۱۳۹۱. «کیفیت حسابرِس، کیفیت سود و هزینه حقوق صاحبان سهام»، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرِس، سال ۴، ش ۱۴، ص ۹۱-۱۱۰.
- مشکی میاوقی، مهدی و الهی رودپشتی، سمانه. ۱۳۹۳. «بررسی

تفاوت در ضرایب نظام‌مند نیست. بنابراین، استفاده از روش اثرات ثابت بر روش تصادفی ارجح است. سطح معنی‌داری محاسبه‌شده برای ضریب اثر متقابل متغیر کیفیت حسابرِس و تخصص حسابرِس، بیشتر از سطح خطای ۵ درصد است که نشان می‌دهد، بین سطح نگهداشت وجه نقد با کیفیت حسابرِس متأثر از تخصص حسابرِس در صنعت، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. از بین متغیرهای کنترلی، اهرم مالی و نرخ بازده دارایی، به ترتیب، ارتباط معکوس و معنی‌دار، مستقیم و معنی‌دار با سطح نگهداشت وجه نقد دارند و اندازه شرکت و معیار صنعت فاقد ارتباط معنی‌دار هستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نقش حسابرِس در بازار سهام، مورد توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قرار گرفته است. حسابرِس دو نقش بااهمیت اطلاعاتی و اطمینان‌بخشی در بازار سهام دارند. آنها، با گزارش خود، به قابلیت اتکای اطلاعات می‌افزایند و هزینه سرمایه شرکت را کاهش می‌دهند. همچنین، کیفیت حسابرِس بر عدم تقارن اطلاعاتی بین معامله‌گران و به تبع آن، بر نقدشوندگی سهام و نگهداشت وجه نقد تأثیرگذار است. وجوه نقد از مهم‌ترین دارایی‌های جاری به‌شمار می‌آیند که واحدهای انتفاعی را در اجرای عملیات و پروژه‌ها پشتیبانی می‌کنند و یکی از عوامل اینکه پژوهش‌گران به دنبال علل تأثیرگذار بر میزان نگهداشت وجه نقد هستند، محسوب می‌شود. نگهداری وجوه نقد از احتمال بحران مالی می‌کاهد و به‌عنوان ذخیره‌ای امن برای مواجهه با زیان‌های غیرمنتظره به‌شمار می‌رود و همچنین، پیگیری سیاست‌های سرمایه‌گذاری بهینه را در زمانی که شرکت با محدودیت‌های مالی مواجه است، ممکن می‌سازد و درنهایت، به کم‌کردن هزینه‌های جمع‌آوری منابع مالی یا نقدکردن دارایی‌های موجود کمک می‌کند. بر این اساس، مدیریت برای حداکثرسازی ثروت سهام‌داران باید مانده وجه نقد شرکت را طوری تنظیم کند که منافع نهایی ناشی از نگهداری وجه نقد با هزینه‌های نهایی آن برابر شود. در این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، برای مطالعه تأثیر

- Audit Fees? Evidence from Italian Listed Companies”, American Accounting Association MM Tingeennual & Conference on Teaching & Learning in Accounting, August 3-7, Anaheim, California.
- Guney, Y.; Ozkan, A.; Ozkan, N. 2009. “International Evidence on the Non-Linear Impact of leverage on Corporate Cash Holding”, *Journal of Multinational Financial Management* 17(1), 45-60.
- Harford, J.; Mansi, S. A.; Maxwell, W. F. 2008. “Corporate Governance and Firm Cash Holdings in the U.S.”, *Journal of Financial Economics* 87(3), 535-555.
- Jensen, M. C. 1986. “The Agency Costs of Free Cash Flow: Corporate Finance and Takeovers”, *American Economic Review* 76(2), 323-329.
- Kend, M. 2008. “Client Industry Audit Expertise: Towards a Better Understanding”, *Pacific Accounting Review* 20, 49-62.
- Kim, J-B.; Lee, J.; Park, J. 2015. “Audit Quality and the Market Value of Cash Holdings: The Case of Office-Level Auditor Industry Specialization”, *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 34(2), 27-57.
- Masulis, R.; Wang, C.; Xie, F. 2009. “Agency Problems at Dual-Class Companies”, *Journal of Finance* 64(4), 1697-1727.
- Meyer, M. J. & Rigs, J. T. 2007. “The Impact of Auditor-Client Relationships on the Reversal of First Time Audit Qualifications”, *Managerial Auditing Journal*, 53-65.
- Mikkelson, W. & Partch, M. 2003. “Do Persistent Large Cash Reserves Hinder Performance”, اثر محافظه‌کاری بر ارزش بازار وجه نقد نگهداری‌شده»، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۲۳ - ۴۳
- Alimov, A. 2014. “Product Market Competition and the Value of Corporate Cash: Evidence from Trade Liberalization”, *Journal of Corporate Finance* 25: 122-139.
- Al-Najjar, B. 2013. “The Financial Determinants of Corporate Cash Holdings: Evidence from Some Emerging Markets”, *International Business Review* 22, 77-88.
- Azizkhani, M.; Monroe, G. S.; Shailer, G. 2015. “Audit Partner Tenure and Cost of Equity Capital”, *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 32(1), 183-202.
- Balsam, S., J. Krishnan and J.S. Yang. (2003). “Auditor Industry Specialization and Earnings Quality”. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 22(2), 71-97.
- Bates, T.; Kahle, K.; Stulz, R. 2009. “Why Do U.S. Firms Hold so much more Cash than They Used to?”, *Journal of Finance* 64(5), 1985-2021.
- Bhattacharya, U., Daouk, H., Welker, M., (2003). The world price of earnings opacity. *The Accounting Review* 78, 641-678.
- Dittmar, A. and Mahrt-Smith, J. 2007. “Corporate Governance and the Value of Cash Holdings”, *Journal of Financial Economics* 83(3), 599-634.
- Francis, J.; Reichelt, K.; Wang, D. 2005. “The Pricing of National and City-Specific Reputations for Industry Expertise in the U.S. Audit Market”, *The Accounting Review* 80(1), 113-136.
- Frino, Alex; Palumbo, Riccardo; Rosat, Pierangelo. 2013. “Does Information Asymmetry Affect

- Sun, J. & Liu, G. 2013. "Auditor Industry Specialization, Board Governance, and Earnings Management", *Managerial Auditing Journal* 28(1), 45-64.
- Wang, Y.; Ji, Y.; Chen, X.; Song, CH. 2013. "Inflation, Operating Cycle, and Cash Holdings", *China Journal of Accounting Research*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.cjar.2013.07.001>.
- Journal of Financial and Quantitative Analysis* 38, 275-294.
- Opler, T.; Pinkowitz, L.; Stulz, R.; Williamson, R. 1999. "The Determinants and Implications of Corporate Cash Holdings", *Journal of Financial Economics* 52(1), 3-46.
- Ozkan, A. & Ozkan, N. 2004. "Corporate Cash Holding: An Empirical Investigation of UK Companies", *Journal of Banking & Finance* 28(9), 2103-2134.